

مدیریت آب و توسعه

محمد تقی سبزواری

عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران

پرده اول:

حدوداً ۲۵ سال پیش بود که از قم می گذشتم. راننده اتوبوس برای استراحت مسافران و خرید سوهان و استفاده از سرویس بهداشتی، نیم ساعتی نگه داشت. قبل از خرید سوهان، از فرط تشنگی و گرما به سراغ شیرهای آب رفتم. مشتاقانه سر و صورتم را آب کشیدم و مستی آب نوشیدم.

یکباره حالم بهم خورد. شوری آب، باعث سوختن چشم و بهم خوردن حالم شد.

پرده دوم:

چند سال پیش با یکی از اعضای فامیل به باغچه لاکچری دوستش در حومه اصفهان رفتم. از معماری بکار برده شده در ساخت بنا و طراحی باغچه لذت می بردم.

صاحب باغ شهری وکیل جوانی بود که هیچ چیز خاصی که نشانه هوش بالا باشد، در وی ندیدم. آدم ندید و بدیدی نیستم ولی وقتی دیدم با آب معدنی سر خود را شست، از تعجب شاخ در آوردم. بهت زده به همراهم گفتم اینا چطور زندگی می کنند ؟!!!!!!

پرده سوم:

شاید زمانیکه حضرت آیت الله حائری (رض) بنای احداث حوزه علمیه را در شهر نیمه کویری قم با آب و هوای نامناسب را نهاد، هرگز فکر نمی کرد در روزگاری نه چندان دور، مردم قانع و سخت کوش و زجرکشیده قم بتوانند مهد علوم دینی را به یکی از لاکچری ترین شهرهای ایران تبدیل کنند.

امروز قم برای بسیاری از جوامع مصداق واقعی " خواستن، توانستن است"، می باشد.

امروز حتی سرویس های بهداشتی منازل و امکان عمومی قم از نعمت آب معدنی های کوهرنگ بهره مندند.

پرده چهارم:

مدافعان جنگ تحمیلی تشنه اند. با ریختن یک سطل آب توسط هر هموطن،
خوزستان زنده می ماند.

تا نگرید طفل کی نوشد لبن